

«هو الحکیم»

عنوان:

روایت سلیم بن قیس از ائمه اثنی عشر علیهم السلام



دکتر باقر پورکاشانی

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى اَيِّهَا صَاحِبِ الزَّمَانِ



『@SERATEHAGHI』

سُلیم بن قیس هلالی، يك كتابی هست به نام سلیم بن قیس هلالی، ترجمه شده به اسرار آل محمد؛ کتاب خوبی هست. تقریباً می‌شه گفت تاریخچه‌ای داره در ارتباط با بعد از شهادت نبی اکرم و چه اتفاقاتی افتاد؛ کتاب مناسبی هست مال همین سلیم بن قیس هلالی هست. گفت: «شنیدم از حضرت امیرالمؤمنین که می‌فرمود: آیه‌ای نازل نشد بر پیغمبر مگر این که آن آیه را به من خواند، و املاء فرمود و من آن را به خط خود نوشتم. بعد فرمودند به من، تأویل و تفسیر و ناسخ و منسوخ و محکم و متشابه آن را آموخت». یعنی پیامبر اکرم هر آیه‌ای که نازل شد گفت، من املاء کردم (نوشتم)، تفسیر (بیان کرد) تأویل (اون چیزی که در ارتباط با بطون اون آیات هست) ناسخ و منسوخ؛ مثلاً ناسخ و منسوخ اول آیه‌ای نازل شده در قرآن، که هر کسی با پیامبر بخواد نجوا بکنه، در گوش صحبت بکنه نجوا بکنه، باید صدقه‌ای بده. خب خیلی‌ها به خاطر این که جلوی مسلمین نشون بدن که بله! ما به پیغمبر خیلی نزدیکیم که اون افراد هم مشخص هست! بعد نماز در هر موقعیتی می‌اومدن کنار پیامبر و يك حرف‌های الکی می‌زدن! يك چیزهایی می‌گفتن!

بعد می گفتن يك چيزهای خصوصی پس این با پیامبر داره! آیه نازل شد که از این به بعد هر کسی نجوا می خواد بکنه باید صدقه بده! دیگه هیچ کسی نیومد! امیرالمؤمنین صدقه می دادن صبح يك صدقه می دادن، شب يك صدقه می دادن، در موارد مختلف پول می دادن می اومدن به پیامبر مسائلی رو می گفتن! نجوا می کردن! آیه چی شد؟ منسوخ شد. منسوخ شد که حالا بی توجهی کردید به تعبیری پول و فلان و اینها، که حالا دیگه نیاز نیست. قبلاً واجب بود هر کسی می اومد پیامبر صدقه می داد؛ باید به فقیر صدقه می داد نجوا می کرد. حالا می خوام بگم آیاتی هست ناسخ هست، منسوخ هست. محکم و متشابه؛ مثلاً آیات محکم: «هُنَّ أُمَّ الْكِتَابِ»، «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ»، «اللَّهُ الصَّمَدُ»؛ الله بی نیاز است. خداوند متعال از شیئی زائیده نشده، چیزی از او زائیده نشده؛ و آیات فراوانی که هست. آیات متشابه مثل مثلاً فرض کنید «جَاءَ رَبُّكَ»، خدا آمد. خدا آمد که جسمانی هست! تجسد و تجسم نسبت به خداست! این رو باید ارجاع بدیم به محکّمات آیات و روایات.

«جَاءَ رَبُّكَ» معصوم فرمودند «جَاءَ أَمْرُ رَبِّكَ!» امر خداوند آمد!
 این هم در ارتباط با متشابه. «و برای من دعا کرد که خداوند
 عزوجل، فهم و حفظ آن راعنایت کند. پس فراموش نکردم آیه‌ای
 از کتاب خداوند و نه علمی را که املاء کرده بود برای من و
 نوشته بودم». هر چیزی که پیامبر گفت دعا کرد که امیرالمؤمنین
 فراموش نکنه و هیچی رو فراموش نکردند. «فروگذار نکرد هیچ
 علمی را که خدای عزوجل به پیغمبر تعلیم کرده». گاهی اوقات
 می‌گن که آقا این که می‌گن پیامبر افضل هست نسبت به ائمه‌ی
 معصومین، علمش هست! نه علم نیست! افضلیت یک مقام نورانی
 هست. از این حدیث استفاده می‌شه هر چیزی که خداوند به
 پیامبر داد به آقا امیرالمؤمنین هم پیامبر آموزش داد، انتقال داد.
 «از احکام حلال و حرام و امر و نهی و آن چه بوده و خواهد
 شد از طاعت و معصیت، مگر آن که به من آموخت. حفظ
 کردم و از آن حرفی فراموش نکردم. پس از آن گذاشت دستش
 را بر سینه‌ی من و خواند خدای متعال را به این که قلب مرا از
 علم و فهم و حکمت و نور پر کند، تا این که فراموش نکنم
 چیزی از آن‌ها را و فوت نشود از من چیزی را که ننوشته‌ام».

علم که خب بالاخره مشخص هست که اون نور هست،
 فهم هم درك واقعیت‌ها و حقائق هست و حکمت هم که
 قرآن می‌گه به هر کسی اعطاء می‌کنیم خیر کثیری داریم
 می‌دیم. حکمت آیاتی هست در قرآن، گاهی اوقات نسبت به
 يك سری معارف هست، گاهی وقت‌ها دستورالعمل‌هایی هست.
 حکمت خودش بحثی هست که من تحقیق مفصلی دارم در
 مورد حکمت، حالا موقعیتی بشه تو يك بحثی می‌تونیم همین
 بحث هم ادامه بدیم، بحث خیلی مهمی هست حکمت در
 آیات و روایات! «گفتم یا رسول الله! آیا از فراموشی من می‌ترسید؟
 فرمود؛ نسیان و جهل را بر تو نمی‌ترسم و خدای به من خبر
 داده که دعای مرا برای تو و شرکانت که بعد از تو خواهند
 بود مستجاب خواهد کرد». یعنی ببینید يك نکته‌ای که هست
 اینه پیامبر سهو یعنی فراموشی نداره يك چیز رو فراموش بکنه!
 نسبت به پیامبر که نیست، نسبت به ائمه‌ی معصومین هم
 چنین چیزی نیست يك چیز رو فراموش بکنن!

گفتم یا رسول الله! شرکائی که بعد از من خواهند بود کیانند؟ فرمود کسانی که خداوند اطاعت آنها را بر خودش و با من در این آیه مقارن قرار داده است. آیه را قرائت فرمود: أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ». این‌جا از این آیه استفاده می‌شه اُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ، تنها شرکاء و خلفاء نبی اکرم می‌باشند. بعد، تتمه‌ی حدیث فرمودند: «گفتم یا رسول الله! کیانند آنان که مقارن قرار داده از خداوند، اطاعت آنان را با خودش و شما؟ فرمود آنان اوصیاء و جانشینان من هستند تا نزد حوض بر من وارد شوند. تمام آن‌ها راهنما و رستگارند، کسی که ایشان را نصرت نکند به آنان ضرری نمی‌رسد. آنان با قرآن و قرآن با آنان است. تعبیری که: «هُمْ مَعَ الْقُرْآنِ وَالْقُرْآنُ مَعَهُمْ». در مورد امیرالمؤمنین گفتم که «عَلَيَّْ مَعَ الْقُرْآنِ وَ الْقُرْآنُ مَعَ عَلِيٍّ»، این کل حضرات معصومین با قرآن هستن و قرآن هم با ائمه‌ی معصومین هست.» لا يُفَارِقُهُمْ وَلَا يُفَارِقُونَهُ؛ و فرمودند که: قرآن از ایشان و ایشان هم از قرآن جدا نشوند. امت من به سبب ایشان یاری شوند. الطاف الهی از آمدن باران و رفع بلیات و استجابت دعوات به برکت آن وجود مقدسه است.» این تعابیر در زیارت جامعه هم زیاد داریم.

«بِهِمْ يَمْطَرُونَ وَ بِهِمْ يُدْفَعُ عَنْهُمْ الْبَلَاءُ وَ بِهِمْ يُسْتَجَابُ الدُّعَاءُ؛
گفتم یا رسول الله! برای من نام آن‌ها را بفرما! اشاره به امام
حسن نموده و دستش را بر سر او گذاشت و فرمود این پسر!
پس از آن دستش را بر سر حسین نهاد و فرمود: بعد از حسن،
این پسر! آن‌گاه فرمود: پسری متولد می‌شود برای حسین که
نامش علی‌ست و در حیات شما متولد خواهد شد و به او
از طرف من سلام برسان! فرمود تا دوازده امام بیان شد. گفتم
پدر و مادرم فدایت! نام آن‌ها را برای من بفرما، پس نام آن‌ها
را نفر به نفر تفصیل داد. علی علیه‌السلام فرمود: قسم به خدا!
ای برادر بنی هلال! مهدی امت محمد، در این جمله از امامان
است، که زمین را از قسط و عدل پر نماید، همان‌طور که از
ظلم و جور پر باشد! قسم به خدا کسانی را که بیعت می‌کنند
با او بین رکن و مقام می‌شناسم، نام‌های پدر از ایشان و
قبائلشان را می‌دانم!» یعنی اصحاب پس مشخص شده هست.
امیرالمؤمنین فرمودند من می‌دانم اون ۳۱۳ نفری که بین رکن
و مقام دور کعبه جمع می‌شن و با حضرت بیعت می‌کنن به
تعبیری من نام تک‌تک این‌ها می‌دانم!